

آدلر چه تفاوت‌هایی با فروید داشت؟ آدلر می‌گفت: همه‌ی میل جنسی و میل به عاشق‌گری نیست، اجتماع و روابط انسانی هم وجود دارد. فروید تقریباً این‌که انسان قدرتی در شکل‌گیری شخصیت ندارد و حق انتخاب ندارد. آدلر می‌گوید انسان قدرت انتخاب، آزادی و اراده در انسان وجود دارد. فروید می‌گوید ما هیولا هستیم، هم داریم و فرد اون چیزی که انجام می‌دهد هیولانه و به بخش زیادی از موجودیت فرد اتفاقاً هویت می‌دهد، ولی فروید به هیولاری اهمیت می‌دهد. آدلر می‌گوید تقدیراتی که ما به آینده داریم رفتار، الکت در شکل می‌دهد به این‌که آن چیزی که هستی، برای آینده‌ات چه اهدافی داری. بر اساس تقدیراتی که آدلر دارد به سری اصل موضوعات رو مشخص می‌کنه.

۱- تلاش برای موفقیت یا برتری

۲- برابری‌های ذهنی

۳- وحدت و یکپارچگی شخصیت

۴- علاقه اجتماعی

۵- سبک زندگی

۶- نیروی خلاق

۷- رشد ناخوب

- اصول مهم تفریح آدرس
- ۱- یک نیروی پویا در پس رفتار افراد، تلاش برای موفقیت یا برتری است.
 - ۲- برآیند های ذهنی افراد رفتار و شخصیت آنها را شکل می دهند.
 - ۳- شخصیت یکا بر سهو مستقیم است.
 - ۴- ارزش تمام فعالیت های انسان باید از دیدگاه علامت اجتماعی در نظر گرفته شود.
 - ۵- ساختار شخصیت مستقیم از سبک زندگی فرد به وجود می آید.
 - ۶- نیروی حلاق افراد، سبک زندگی آنها را شکل می دهد.

۱- تلاش برای موفقیت و برتری ← اولین اصل تفریح آدرس این است که یک نیروی پویا در پس رفتار افراد، تلاش برای موفقیت و برتری است. آدرس کل انگیزش را به یک سائق کاهش دارد: تلاش برای موفقیت و برتری. کودکان آدرس با ضعف های جسمانی و احساس رقابت جدی با پدر و برتری شخص شده بود. روانشناسی فردی سبک حرکتی زندگی را با ضعف جسمانی شروع می کند. احساس های حقارت و افعال مبتذل به احساس های که فرد را برانگیخته می کند تا برای موفقیت و برتری تلاش کند. افرادی که از لحاظ روانشناسی سالم نیستن برای برتری شخص تلاش می کنن و در حلقه افرادی که از لحاظ روانشناسی سالمند جوابی موفقیت بر اتما کل برتری هستن.

آدرس رفت: همه ما آدمها با بدن ضعیف به دنیا می آیم یعنی احساس حقارت از بدو تولد در ما وجود داره و ما همیشه برای بلوف کردن احساس حقارت در حال تلاش کردن هستیم در حال رسیدن به موفقیت هستیم اما برای برطرف کردن احساس حقارت در بدین به پیوسته باید

حواصن با هم به دیگران آسیب نرسانند. این برای رسیدن به موفقیت بوده استفاده نکنیم. اگر در مسئله اثری باشد به موفقیت و برتری دست برداریم و اگر نه به تبدیل به **عقده حقارت**. احساس حقارت هم کسی آسیب نرساند. احساس حقارت باعث می شود ما انگیزه داشته باشیم تلاش کنیم پیشت کنیم به جاهای خوب برسیم و این عقده حقارت باعث می شود برای رسیدن به پیشرفت دیگران را در نظر نفرستیم - افرادی که کلاهبرداری و دزدی میکنند می خزان به رشد و پیشرفت برسند ولی از طریق **عقده حقارت** دارند این کار میکنند. عقده ای که در آنجا مثل گفتم، آسیب رساندن به دیگران برای منی ندارد.

آدمی اول فکر می کرد **نیروی پویا** در پس هر انگیزه ای **چاشنی** اما از این اصطلاح نزار شد و اصطلاح **نیزمه غایی** را به کار برد که به قدرت طلبی یا تسلط بر دیگران دلالت داشت بعد نیزمه غایی هم نزار شد. بعد از آن **نیروی پویا** را تلاش برای برتری نامید.

و در تجربه خود تلاش برای برتری را به افرادی محدود کرد که جهت برتری یافتن شخصی بر دیگران تلاش می کنند. به عقیده آدلر، افراد برای **هدف های** یا **هدف موفقیت** برای کل بشر تلاش می کنند. در حقیقت این هدف های **خیالیه** است. هر کسی می تواند هدف خیالیه خودش را بیافزیند با این حال این هدف به صورت **انگیزی** و **محیطی** تعیین نمی شود و محصل **نیروی خلاق** است یعنی توانایی افراد در شکل دادن به رفتارشان و آفریدن شخصیت شان و تکاملشان. اگر چه ما می توانیم خلاق آنهار را کرده که نبراست هدف های خود را تعیین کنند. اگر کودکان حس کنند به آنجا نرسیده اند هدفشان **ناهییه** می ماند. آدلر فرض کرد بعضی از کودکان احساس حقارت را به روشی نادرست حیران می کنند. مثلاً هدف برتری

برای یک دختر ناز پرورده، می تواند **دانش کردن** **باطم افکشی با مادرش** باشد. او ممکن است در نزدیکی
و البته به نظر برسد و خود گوسرزش کند، اما این رفتارها با هدف ناهیار و بد فهمیده شده **انگیزه**
که در ۵ سالگی تعیین کرده بوده زانی که مادرش قوی به نظر می رسد، کاملاً صاف است.

نیروی تلاشی به عنوان حیران = افراد برای حیران کردن احساس حقارت خود برای موفقیت
تلاش می کنند. اگر در مرتبه هم انسان ها هنگام تولد بدن نحیف و کوچک دارند و این نقایص جهانی
فقط به این علت احساس حقارت را برانگیخته می کند که افراد از تلاش فطری کمال برخوردارند.
تلاش برای موفقیت فطری است اما باید پرورش پیدا کند. این تلاشی هنگام تولد به صورت
بالقوه و محدود دارد، هر کس به سبب خودش این نیروی بالقوه را تحقق می بخشد.

تلاش برای برتری شخصی = بعضی از افراد بدون اهمیت دادن به دیگران، برای برتری تلاش
می کنند. هدف آنها شخصیت و تلاش های آنها به واسطه **عقد حقارت** برانگیخته می شود. مثل نذر هار
آدم کس ها که برای نفع شخصی تلاشی می کنند.

تلاش برای موفقیت = افرادی که از محیط روانشناختی سالم هتین، برخلاف افرادی که
برای منفعت شخص خود، تلاشی می کنند برای عدم آفتاب می برانگیخته می شوند. این افراد
قادرند به دیگران کمک کنند بدون اینکه از آن ها انتظار پاداش داشته باشند. موفقیت
آنها به قیمت زیان دیگران به دست نمی آید.

۲- **برداشت های ذهنی** دومین اصل آردلر در برداشت های ذهنی افراد، رفتار و کیفیت آنها را شکل می دهند. افراد برای جبران کردن احساس های حاد و مثبت موفقیت تلاش می کنند ولی بر اساس واقعیت نیست و بر اساس درک ما از واقعیت. برداشت هایی که از واقعیت داریم ذهنیت های ما است. برداشت های ذهنی ما هم درست باشد و هم غلط، تأثیر مستقیم روی رفتار ما دارد. همه ما یک سری برداشت های ذهنی داریم اینها ما به این برداشت های ذهنی خود می بینیم و آنها را تغییر ندیم نشانه ناسالم بودن ما است. شخصیت ما سالم شخصیتی است که منعطف نیست و سال ها به برداشت های ذهنی اشتباه خود می چسبده. اگر برداشت ذهنی ما از آینده خوش بینانه باشد و یک برنامه ریزی داشته باشیم رفتار واقعی من رفتار فرضی است که با آن فکر است، پرتلاطم، خدشنده.

خیال انفعالی مهم ترین خیال ما سه هدف برتری و موفقیت به هدفی که در اوایل زندگی نفس می بینیم ممکنه واضح درک نشده باشد. این هدف بخیالی ذهنی، خیالی به یک زندگی ما را هدایت میکند و به شخصیت ما یک چارچوب می دهد.

ویژگیها در مورد فلسفه «انفکار» معقده خیال ها عقایدی هستن که وجود واقعی ندارند ولی با این حال طوری بر افراد تأثیر می گذارن **انفکار** که واقعا وجود دارن. یک چنین خیالی می تواند این باشد **مردان از زنان برترند** که گریه این عقیده، خیال است، اما خیالی از افراد «مرد زن» طوری عمل میکند **انفکار** که این واقعیت.

- ما که آردلر به خیال ها، با اعتقاد محققین به **دیدگاه غایت شناسی** ما رفتار است.

غایت شناسی به توصیف رفتار بر حسب هدف بخایی آن است.

غایت شناسی **فندعلیت** است که به موجب آن، رفتار از علت خاص ناشی می شود.
غایت شناسی به هدف آینده مربوط می شود. در حالت **علیت** به تجربه یا گذشته که تأثیر کنونی دارند، می پردازند.

حقارت های منفی به حوت افراد با عیب کوچک، متعین و حقیر و زندگی را آغاز مکن
خیال یا نظامی را در باره اسلام چگونه با این نقص صحن غلبه بتن و بزرگ و قوی و برتر شوند
پرورش مرد هنر و اما وقتی که بزرگ و قوی و برتر شدند ممکن است طوری عمل بتن **انقار** دهند
کوچک و حقیر هستند. آذر تا کند کرد کل نثر اد انسان **انز حقارت های منفی** بر خود دارند.
مرفی افراد با حرکت به سمت سلامت روان شخصی و سبک زندگی مفید، این احساس حقارت را
جبران می کنند. آذر تا کند کرد که نقایص جسمانی به تنهایی موجب سبک زندگی خاص نمی شود
بلکه برای رسیدن به اهداف آینده، **انزیره** تأمین می کنند. چنین **انزیره** هایی مانند تمام
جنبه های شخصیت **یکپارچ** و **منسجم** است.

۳- **وحدت و یکپارچگی شخصیت** سومین اصل نظریه آذر به شخصیت **یکپارچ** و **منسجم** است.
ما اعمال، افکار و احساساتمون همه **یکپارچ** است و ما برای مسیر شخصی هدایت می کنیم.
اینطور نیست که افکار رایج چیزی با هم، رفتار رایج چیزی دیگر، احساساتمان چیز دیگر، و این به
شخصیت **یکپارچ** چیده، همه در یک جهت با هم ها هکن. شخصیت در هر حال، حتی
وقتی که عصبانی هستیم یک انجام در آن وجود دارد. آذر با انتخاب اصطلاح **روانشناسی فردی**
می خواست تأکید کند کسی **مختصراً فرد نیست** و افکار، احساسات و اعمال فرد، همگی به سمت -
روز آملی جمعیت

هدف خاصی هدایت کرده اند. وقتی افراد به صورت آسفته رفتار کنند - رفتار آن ها، دشمنان را وادار کند حالت دفاعی بگیرند که احتمال آسفته، آبخار آبیج نند

آدمی معتقد بود که فرد قابل به چند طریق وحدت و اسباب نشان میدهد
 زبان بدن
 هیپنوتیزم

زبان بدن - اولین طریق وحدت و اسباب فرد زبان بدن است. فرد قابل به صورت مستقیم، در جهت خاصی تلاش می کند. اختلال یک عضو بدن را نمی توان به صورت مجزا در تفریفت، این اختلال بر کل شخص تأثیر می گذارد. در واقع عضو ناقص بدن جهت فرد را بیان می کند و مشخصی که به زبان بدن معروف است. اندام های بدن از طریق زبان بدن در به زبان می گویند که عقیده شخص را واضح تر از کلمات افشا می کنند. مثلاً - پسر بسیار طبیعی که حوسب های خود را فیس می کند تا این پیام را می بیند که نمی خواهد از حرف ها است های والدین اطاعت کند - رفتار او می گوید به جایی دهان، با فسانه خود حرف می زند.

هیپنوتیزم - نمونه دیگر از شخصیت پیام ها هفتگی بین هیپنوتیزم است. آدمی ناخودآگاه به صورت بخشی از هدفش تعریف می کند که فرد نه آن را به طور روشن تدوین کرده نه کامل درک کرده است. آدمی از دوگانگی بین ناخودآگاه و خود را می گرد و آن ها را به صورت دو بخش از سیستم پیام های که همکاری می کنند. در تفریفت.

آبخار هیپنوتیزم - آبخار هیپنوتیزم است که فرد درک می کند و برای رسیدن به وضعیت ففید است در حالی که آبخار ناخودآگاه هیپنوتیزم هستند که صفه نیستند. بلکه آبا رفتار های افراد به سبک

روز چهارم و پنجم شکاری مصرف - روز بزرگداشت ملاصدرا

کندگی نام

نخستین علامه اعتبای که در طول سال های کودکی مشاهده اندکتی دارد

همه علامه اعتبای از پیش تمام فعالیت های انسان باید از بداهه اعتبای در نظر گرفته شود

کسی که احساس اعتبای رشد یافته دارد، برای بهتری خودش تلاش می کند، بلکه برای حال کل افراد در جامعه ای آرمانی تلاش می کند

افراد کی که علامه اعتبای در آن ها شکل گرفته است اگر کارهای روحخوان انجام بدن، دیگران هم در نظر می گیرند که آیا رفتار من به دیگران آسیب نمی زند، در جامعه مطلق ایجاب نمی کند

کسی که علامه اعتبای ندارد، نمیتواند ارتباط بگیرد. علامه طبیعی به صورت بالقوه در ما وجود دارد از طریق والدین در ماه های اول به تولد و به صورت رابط ولد، فرزندی پرورش پیدا میکند

و سنم والدین از طریق توجه به آن از حد یکم توجه می تواند تأثیر منفی روی رشد اعتبای نوزادین. اگر کسی معتقد بود که ازدواج پدر - مادری تأثیر منفی دو نفره است. باین حال،

پدر و مادر به صورت منفردت بر علامه اعتبای کودک تأثیر می نذارن. وظیفه مادر برقراری رابط ای است که به علامه اعتبای نخبه کودک کمک کند و حسن همکاری را در او پرورش دهد

اگر مادر یاد گرفته باشد که به دیگران محبت کند و از دیگران محبت بینم و دستش دادن علامه اعتبای مطلق خواهد داشت. اما اگر مادر از فرزند خودش در برابر سلو هوش طرفداری کند فرزندی

ناز پرورده و لووس می شود. برعکس اگر مادر فقط از لو هوش طرفداری کند فرزندی احساس میکند به او توجهی نیست و غمناک میشود

پدر در بحث اعتبای کودک در درجه دوم قرار دارد. او باید نسبت به همسر و افراد دیگر نگرانی مستحضرانه داشته باشد. پدر ایده ای کسی که با همسرش در بحث اعتبای از فرزندش همکاری کند. طبق فتح خرمشهر
روز دزفول - روز مقاومت و پایتختی

معیارهای آدرس پدر موفق از دو خطای
 از رشد علامت آفتاب عریض و بزرگ می باشد.
 حدای عافیه هم باعث می شود کودک
 وقتی پدر احساس دل بستگی به فرزندش نشود زنده
 عیال عافیه
 علامت آفتاب عریض
 احساس فراموشی و غفلت
 دل بستگی افراطی و مایه مایه
 اعتبار می کند این دو خطا
 پدرش دهد

خود را قلمی هم برای زنا می است که پدر خود را می است و توجهی که باید به فرزندش دهد را
 نمی دهد و باعث سبک زندگی سالم می شود. بزرگی که پدر را متنبه می داند، باید می گیرد و برای
 قدرت و بزرگی شخصی تلاش کند.

۵- سبک زندگی اصل پنجم آدرس می ساختار شخصیت منجم از سبک زندگی فرد
 وجود دارد.
 (نقشه که از خود می داریم)

سبک زندگی هم هدف، خود بخود، احساس هاست به بران و غیرش فرد را به دنیا
 می کشد.

سبک زندگی حاصل تعامل محیط است. سبک زندگی در چهار ای می سبکی
 می شود و سبک زندگی فرد

کاملاً نسبت می شود. بعد از آن ای می تمام فعالیت های فرد می باشد سبک زندگی یکبار می او
 استوار می شود. افرادی که از لحاظ روانی سالم نیستند معمولاً زندگی افراطی ندارند.
 افرادی که از لحاظ روانی سالم هستند به صورت متنوع و انعطاف پذیر رفتار می کنند و سبک زندگی
 آن ها تغییر پذیر است. افرادی که سبک زندگی سالم دارند، علامت آفتاب عریض را در عمل نشان
 می دهد (شهادت امام جعفر صادق علیه السلام)

میدهند به طور مخالف میگویند **این مسئله مهم زندگی اندیشه آدر** **عشق صمیمانه**

عشق جنسی

استقلال

حل کنند. آدر مقتدر بر افراد که سبک زندگی مفید دارند،
عالم ترین شکل انسانیت را در افراد با ثبات نشان می دهند.

۶- نیروی خلاق آخرین اصل تئوری آدر: **نیروی خلاق** افراد سبک زندگی آنها را شکل می دهد.

آدر مقتدر بر هر کسی آزاده تا سبک زندگی خود را به وجود بیاورد.

نیروی خلاق افراد به زندگی افراد تحت کنترل خود قرار می دهد و نیروی خلاق، هر فردی
را آرام آزادی می کند. نیروی خلاق مخصوصی به هر یک از افراد می دهد. کل زندگی روانی
حرکت به سوی هدف را در بر دارد به حرکتی که محبت دارد.

آدر اهمیت وراثت و محیط را در شکل دادن به شخصیت تأکید کرد. هر فردی برای ساختن
شخصیت، از وراثت و محیط به عنوان آجر و ملات استفاده می کند. هر کسی معمار خودش
است و می تواند سبک زندگی مفیدی حاصل بیاورد. آدر از قیاس جالبی استفاده کرد که آن را

قانون درگاه کوتاه نامیده می شد: اگر کسی نرسد از گاهی به ارتفاع ۱۳۰ سانتی متر در شود، ۲ انتخاب
دارد اول اینکه می تواند از نیروی خلاق خود استفاده کند و وقتی به درگاه نزدیک شود، غمگین و
به این ترتیب مسئله را با موفقیت حل کند. این همان کاری است که افراد سالم، ثقلات زندگی خود را

حل می کنند. برعکس اگر سربازان را به آستانه در بگویند و نقش بر زمین شود، باز هم باید مسئله را
حل کنند یا به کمدین سربازان اراحم دهید. افراد روان سرخورد اغلب ترجیح می دهند سربازان را به واقعیت های
زندگی بگویند. وقتی به درگاه کوتاه می رسید، نه میجوید غم میجوید و نه اندک و ادا میجوید به خود را به آن بگویند.
لکه از نیروی خلاق میجوید و از درگاه که به شما امکان می دهد حرکت از درون را دنبال کنید.